

۱۴۹۸۸۷۷



الگوی انتخاب اصلح

مبتنی بر گفت‌وگو و ولایت

دکتر سید عبدالهادی رضوی

www.ketab.ir

سرشناسه	: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - Khamene'i, Seyyed Ali
عنوان و نام پدیدآور	: الگوی انتخاب اصلح؛ برگرفته از گفت‌وگو با ولایت/ سیدعبدالهادی رضوی؛ ویراستار امیر دانایی.
مشخصات نشر	: تهران: مهرصادق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.؛ جدول: ۱۲/۵×۲۱/۵ سم.
شابک	: 978-600-97103-5-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره انتخابات
موضوع	: Khamene'i, Seyyed Ali, Leader of IRI, 1939 -- Views on elections
موضوع	: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع	: Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech
موضوع	: دموکراسی -- ایران -- مشارکت شهروندان
موضوع	: Democracy -- Iran -- Citizen participation
شناسه افزوده	: رضوی، سیدعبدالهادی، ۱۳۶۰ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: DSR1۶۹۳/الف/۸۶/۱۳۰
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۸۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۷

مشخصات

عنوان: الگوی انتخاب اصلح؛ برگرفته از گفت‌وگو با ولایت

دکتر سید عبدالهادی رضوی

ویراستار: امیر دانایی

طراح جلد: الیاس جراحی

ناشر: مهر صادق

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۱۴۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
جمهوریت در نظام اسلامی.....	۲۱
الف) همین حضور و حکومت پیامبر اعظم 	۲۲
ب) دوران حضور امام معصوم *.....	۲۶
ج) دوران غیبت و عدم حضور امام معصوم *.....	۲۹
جمهوریت (مردم و انتخابات) در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۳
جایگاه و اهمیت مردم در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۳
جایگاه و اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران.....	۴۰
شناسه‌های انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۴۴
تکلیف‌مداری.....	۴۷
مراحل و گام‌های تکلیف‌مداری.....	۵۱
شرایط پذیرش و انجام تکلیف.....	۵۲
پیامدهای عمل به تکلیف.....	۵۳
پیامدهای عدم پرداختن و تحقق تکالیف.....	۵۶

- نسبت تکلیف‌مداری و نتیجه‌مداری..... ۵۸
- همزاد تکلیف..... ۶۴
- رعایت حق..... ۶۹
- تکالیف انتخاباتی مردم..... ۹۰
- تکالیف سطح اول..... ۹۱
- تکالیف سطح دوم..... ۱۰۱
- فلسفه وجودی و مبانی تعیین تکالیف انتخاباتی مردم..... ۱۰۷
- الف) مبنا و فلسفه وجودی تکلیف حضور حداکثری..... ۱۰۷
- ب) فلسفه وجودی، مبانی تکلیف انتخاب اصلح..... ۱۱۴
- ج) مبنا و فلسفه وجودی مشارکت تکالیف..... ۱۲۱
- عوامل زمینه‌ای و هدایت مردم به سمت ادای تکالیف انتخاباتی..... ۱۲۵
- الف) حضور حداکثری..... ۱۲۶
- ب) انتخاب اصلح..... ۱۲۷
- ج) مشارکت بین دو تکلیف..... ۱۲۹
- عوامل مغلل ادای تکالیف انتخاباتی مردم..... ۱۳۰
- پیامد تحقق تکالیف انتخاباتی مردم..... ۱۳۹
- پیامدهای عدم تحقق تکالیف انتخاباتی مردم..... ۱۴۳
- معیارها و شاخص‌های برگزیدن (انتخاب اصلح)..... ۱۴۵
- الف) بُعد اعتقادات و معنویت..... ۱۴۷

ب) بُعد شایستگی و صلاحیت.....	۱۵۸
ج) بُعد توانایی و قابلیت.....	۱۸۵
د) بُعد ویژگی های شخصی.....	۱۹۶
شاخص های انحرافی برگزیدن.....	۲۰۱
جاول ترکیبی ابعاد، مولفه ها و شاخص های برگزیدن اصلح.....	۲۰۴
الگوی مدل انتخاب اصلح.....	۲۰۸
دستورالعمل استفاده از الگو.....	۲۰۸
ملاحظات.....	۲۱۳
الگوی انتخاب اصلح.....	۲۱۳
منابع و مآخذ.....	۲۱۷

پیش گفتار

موضوع انتخابات، شرکت در انتخابات، برگزیدن فرد از میان سایرین و سپردن امور به دست او، همه و همه مبین نقش و کاروری مردم در عرصه‌ی کشورداری و حکمرانی می‌باشد.

نظام‌ها، حکومت‌ها، در دنیا مبتنی بر ایدئولوژی و منافع خود به اراده‌ی تعریفی از جایگاه، نقش و کارویژه‌های عنصر مردم یا جمهوریت در نظام خود پرداخته‌اند؛ آنچه مشخص است وجود فراوانی تنوع و تکرار آن تعریف‌ها، تئورها در دنیا می‌باشد. آنان نشان داده‌اند که بین آنچه در بعد نظری، بیان می‌دارند با آنچه در عرصه‌ی عمل از آنان مشاهده می‌شود تفاوت فاحش و معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که شان و جایگاه مردم برای این حکومت‌ها فقط ابزاری می‌باشد. حکومت‌های مادی‌گرای دنیا با رویکردی مزدورانه و با فریب افکار عمومی، سلطه‌ای پایدار را بر مردمان خود اعمال و بدین وسیله به پایه‌های سلطنت نامشروع خود، به ظاهر مشروعیت بخشیده تا اندکی بیشتر بر گرده‌ی مردمان خود مستقر شوند.

خروجی صندوق‌های آراء و برتری بر رقیب، هدف غایی نظام‌هایی است که به اصطلاح، منطق دموکراسی را بپذیرفته‌اند، لکن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با تدوین و طرح اهداف والای الهی - انسانی، ترکیبی شگفت آور را به بشریت عرضه نموده که نتیجه‌ی این امر حکومت شایستگان مردم، بر مردم خواهد بود.

نظام قدس جمهوری اسلامی ایران با طرح نظریه‌ی مردم سالاری دینی، الگوی جدید حکمرانی را به جهانیان عرضه داشته و در نظر و عمل، به بازتعریف نقش، جایگاه و کارکرد مردم در حکومت‌ها پرداخته است.

قاعده‌ی مردم سالاری ایران است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا می‌کند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسئولیت را به عهده می‌گیرد؛ این قاعده‌ی مردم سالاری است (مقام معظم رهبری ^{دامت ظله العالی}: ۱۳۸۸/۳/۲۶).

مسئله‌ی مردم سالاری دینی یعنی حضور آگاهانه‌ی مردم، رقابت جدی، فعالیت و تلاش حقیقی مردمی، در کنار معیارهای اسلامی و معیارهای الهی. این ترکیب شگفت آور همان چیزی است که بشریت محتاج آن است؛ تشنه‌ی آن است (مقام معظم رهبری ^{دامت ظله العالی}: ۱۳۸۸/۵/۱۲).

این کتاب با رویکردهای چهارگانه‌ی ذیل، مبادرت به کشف، شناسایی و ارائه‌ی داده‌های جدید، بومی، کاربردی و در نهایت تولید علم در حوزه‌ی سیاست و علوم سیاسی پرداخته است:

۱. ارائه‌ی طبقه‌بندی جدید از گفتمان ولایت؛
 ۲. ترکیب مفاهیم، واژگان و عناصر داده‌ای در گفتمان ولایت با هم و اخذ خروجی جدید و نتایج نوین؛
 ۳. تبیین و تفهیم گفتمان با گفتمان؛
 ۴. بهره‌گیری از منابع دسته اول اسلامی و... با هدف تبیین هر چه بهتر گفتمان ولایت نه در واقع بازتعریف نوین آموزه‌ها و گزاره‌های شریعت ناب مومنان | در عصر حاضر می‌باشد.
- در این نوشتار بنا بر اختصار، زبیده‌گویی، به ضرورت قناعت کردن و در نهایت الگویی کاربردی و همه‌فهم جهت شناسایی کاندیداهای اصلح از میان سایرین می‌باشد.

دکتر سید عبدالهادی رضوی

بهار ۱۳۹۶

مقدمه

مسئله‌ی مردم و حکومت، از موضوعات مناقشه‌ای در علم سیاست که از سده دوازدهم میلادی متولی حکمرانی بوده، می‌باشد. در بسیاری از کشورها به تبع و یا سرمداری غرب، برای مردم در مدلی تحت عنوان دموکراسی به معنای حکمرانی اکثریت بر اقلیت، به اصطلاح نقش و جایگاه قایل شده‌اند لکن واقع امر سرآمد استناد و فریب مردم و از سویی تفسیر آن مبتنی بر منافع جریان سرمایه‌داری و نظام سلطه می‌باشد؛ بر این اساس است که در این گونه کشورها علی‌رغم وجود مشرق‌ها و حتی برخی تنبیه‌ها و محرومیت‌ها، باز شاهد مشارکت حداکثری و تعیین شرایط در صحنه‌های انتخاباتی نخواهید بود.

ایران اسلامی با طرح مدلی نو از حکمرانی - بر اساس مبانی اسلامی - همه‌ی مدل‌های حکمرانی در غرب و شرق را به چالش و خود بطلان بر آنان کشیده است.

مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آن جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا

تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دموکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم سالاری یک وظیفه‌ی دینی است. مسئولان برای حفظ این خصوصیت، تعهد دینی دارند و پیش خدا باید جواب دهند. این یک اصل بزرگ از اصول امام بزرگوار ماست (مقام معظم رهبری ^{دامت ظلّه العالیه} ۱۳۸۱/۰۳/۱۴).

مردم سالاری دینی با مبنای دموکراسی غربی متفاوت است. مردم سالاری دینی که مبنای انتخابات ماست و برخاسته‌ی از حق و تکلیف الهی انسان است، صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند. این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد؛ این از افتخارات ماست؛ این را باید حفظ کرد (همان).

امروز مردم سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این که ما شاخه‌ای از مردم سالاری را ارائه می‌دهیم؛ نه خیر، ما در واقع در مردم سالاری‌های دنیا شبیه می‌کنیم. من حقیقتاً در مردم سالاری‌های دنیا خدشه دارم؛ برای خاطر این که انتخابات و گزینش‌ها در دنیا تحت تأثیر عوامل تبلیغاتی‌ای است که یکسره دست سرمایه‌دارها است. چه کسی است که از تأثیر عوامل ارتباطاتی امروز یکسره غافل باشد؟

شما ملاحظه کنید، دولت‌هایی هستند که از آن‌ها دموکراسی را گرفتند. مثلاً در میان همسایه‌های ما من نمی‌خواهم اسم بیاورم، دولت‌هایی هستند که عنوان دموکراسی را با خود دارند، اما در حقیقت، حاکمیت با نظامیان است. یک‌وقت کسی وسط میدان می‌آید و بدون این‌که اعتنایی بکند که انتخابات وجود دارد، همه را کنار می‌زند و بر سر کار می‌آید و می‌شود حاکمیت نظامی! یا حاکمیت انحصاری احزاب است و کسی جرأت ندارد غیر از نزدیکان حزب، نامزدی معرفی کند؛ انتخاباتی با یک نامزد برای ریاست جمهوری! امروز در میان کشورهای اسلامی و در مجموعه‌هایی که ما در آن زندگی می‌کنیم و با آن‌ها تعامل داریم، کدام کشور است که مثل جمهوری اسلامی، احاد مردم، فخرهای گوناگون و طبقات متوسط آن بیایند و در انتخابات شرکت کنند؟ اگر یک‌وقت سرمایه‌دارها هم بخواهند در حزب و جناح و تشکیلاتی اعمال نفوذ کنند از ترس، این کار را مخفیانه می‌کنند؛ چون بدنام هستند.

من به شما عرض کنم، در کشور ما اگر قرار شد مردم، لا اله الا الله وجود داشته باشد و حاکمیت در دست مردم باشد، جز در سایه اسلام و جمهوری اسلامی این کار ممکن نیست. اگر سایه اسلام و جمهوری اسلامی در این مملکت بود، به برکت اسلام و نفوذ روحانیت و به برکت چیزهایی که در قانون اساسی وجود دارد، می‌شود مردم‌سالاری را در این جا نگه داشت؛ و الا اگر این عوامل نباشد، همان کسانی که کودتای ۲۸ مرداد و

قبل از آن، کودتای سوم اسفند رضا خان را راه انداختند، می‌آیند و زیر کاسه کوزه‌ی دایه‌های روشن‌فکری و مردم‌سالاری می‌زنند و آن‌ها را می‌برند. اگر خیلی همت و لطف کنند، زائیده‌ای از مردم‌سالاری‌های خودشان را که متعلق به کمپانی‌ها و امثال این‌ها است، در این‌جا درست خواهند کرد. بیش از این نخواهد بود؛ اگر نگوییم نظامیان و احزاب خودساخته‌ی آن‌چنانی را سرکشی می‌آورند (مقام معظم رهبری، دست‌نظم‌العالم: ۰۶/۰۵/۱۳۸۰).

مردم‌سالاری دینی چون بر اساس یک اعتقاد دینی است، قابل نقض نیست؛ یعنی اگر کسی توانست در انتخابات تقلب کند یا به شیوه‌ای نظر مردم را جلب کند که به نفع نگاهشان به وی متوجه باشد - مثلاً ارزشی که در او نیست، وانمود کند که دارد - است؛ بعد مردم به او اقبال کنند و رأی بدهند - در منطق مردم‌سالاری دینی از حقی ندارد. این شیوه در منطق لیبرالیسم که پایه‌ی لیبرالیسم غربی است، کاملاً پذیرفته شده است؛ اما در منطق مردم‌سالاری دینی نه. سخت‌گیری در این‌جا به خاطر اتکاء به مبانی دینی و ایمانی، بیشتر است. پس نفی ظلم، سلطه، استبداد، وابستگی و فساد، همه منبث و برخاسته از اعتقاد دینی است. بدیهی است که نظامی با این خصوصیات به وجود آید، برای هرکس که در هر جای دنیا معتقد به ظلم بین‌المللی، استبداد بین‌المللی، نفی حقوق ملت‌ها و کشورها و معتقد به بی‌اعتنایی به مرزهای کشورهای مستقل است، دشمن و طرف مقابل و رقیب غیر قابل تحمّل محسوب خواهد شد. به‌طور طبیعی این‌طور است.

بنابراین وقتی یک سلطه‌ی بین‌المللی و یک ابرقدرت مثل امریکا، سیاست و راهبردش را بر این قرار می‌دهد که منافع خودش را تأمین کند، اگر منابع کشورهای دیگر به خطر بیفتد، برایش مهم نیست. وقتی نظامی با آن خصوصیات مثبت در دنیا وجود داشته باشد - بخصوص در منطقه‌ای که قانون توجه امریکا از لحاظ منافع است - بدیهی است بین این‌ها تضاد و چالش، ذات امر قهری و حتمی و اجتناب‌ناپذیر است (مقام معظم رهبری دلت‌پله، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲).

ملت ایران هم پس از نیم‌سالاری را از اسلام فراگرفته و از بن دندان، مؤمن و متعهد به آن است، و رافع این راه را با مجاهدت خویش، هموار کرده و سند آن را با خون عزیزترین جوانانش، به امضاء رسانده است (مقام معظم رهبری دلت‌پله، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

این را هم که بعضی بگویند ما در نیمه‌ی راه دموکراسی هستیم، بنده قبول ندارم. برای میل دل غربی‌ها نباید حرف رد؛ مخصوصاً مسئولان می‌گویند ما یک کشور استبدادزده هستیم، ما در نیمه‌ی راه دموکراسی هستیم، ما یک ملت نابالغ هستیم؛ نخیر، این حرف‌ها غلط است. چرا متهم می‌کنند؟ ملتی که در طول کمتر از صد سال، سه مرتبه مبارزات مسلحانه ضد استبدادی و ضد استعماری به راه انداخته، چرا او را مورد اهانت قرار می‌دهند؟ برای این‌که غربی‌ها و اروپایی‌ها خوششان بیاید؟ خوششان نیاید (مقام معظم رهبری دلت‌پله، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).